

## نبرد علیه سیاهپوستها

### یک تعداد غیر قابل تصور انسانها در ایالات متحده آمریکا بر پایه علل تبعیض منشانه در زندانها

#### از : مومیا ابوجمال

این ارقام تکاندهنده است که چه تعداد از انسانها برپایه اتهامات تبعیض منشانه زندانی می شوند. فقط نگرش به ارقام سرگیج کننده است، به خصوص زمانی که دقت کنیم، میبینیم که این امر چه تأثیراتی بالای زنده گی فAMILI و اجتماعی و همچنان روابط سیاسی و انسانی آنان با خود دارد. من حتی به این نظر میرسم که هر یک از افروامریکاییها بدون در نظر داشت تعلقات طبقاتی و یا سطح درآمد آنان کسی را سراغ دارند که در بازداشت در یکی از زندانهای محلی، ایالتی و یا فدرال به سر نبرده باشند.

این خود گواهی بر موجودیت این مسأله است که تعداد بزرگ زنان، مردان و جوانان طعمه کامپلکس صنعتی زندانها در ایالات متحده آمریکا شده اند. در مقایسه بانفوس جهان، تقریباً ۵ در صد انسانها در ایالات متحده آمریکا زنده گی می کنند و اما از جمله همه زندانیان جهان ۲۵ در صد در ایالات متحده آمریکا زندانی اند. بر پایه آخرین احصائیه های رسمی در اوایل سال ۲۰۰۸ در حدود ۲،۳ میلیون انسان در این کشور در زندانها به سر می بردند. تعداد زندانیان سیاهپوست حتی ارقام موجود زندانیان را در اوج رژیم منحوس اپارتاید در افریقای جنوبی پشت سر می گذارد.

ما نبایست این مقایسه را سطحی پنداریم، زیرا رژیم اپارتاید افریقای جنوبی مظهر یک دولت پولیسی تبعیض منش بود که خصلت ددمنشانه اش فقط و فقط بعد از آلمان نازی یگانه تاز دوران ماست. رژیم افریقای جنوبی انرژی بی اندازه را در یک جنگ غیر عادلانه (شیوه کاری استخبارات: «معضله قدمه پایینی») علیه اکثریت سیاهپوست به کار بست که هر یک از خصوصیات زنده گی مستقل افریقای را منفعل ساخته و مناطق ممنوعه را برای سیاهپوستها ایجاد کرد که در این مناطق آنان نه اجازه زنده گی، نه کار، نه تحصیل را داشتند و حتی نمیتوانستند روابط دوستی با همدیگر را ایجاد نمایند. این اصل بازگوی همه مسایل است که

دیده می شود، ما چقدر ها در برابر گستره معضله ها در کشور ایالات متحده آمریکا (بدون در نظر داشت راه های حل آن) کور بینش هستیم و چطور این امر به نورمالتی در آگاهی اجتماعی و سیاسی ما مبدل گردیده است. این مطلب بازهم پیوندی با کنسرنهای رسانه یی دارد. همانطوری که آنها در گزارشدهی شان عدم کارآیی داشتند و بالاخر باعث بروز جنگ گرم علیه عراق گردید، به همینگونه عدم کارآیی شان را در زمینه گزارشدهی از پیشگیری خارج از سنجش «معضله قدمه پایینی» که باعث لگدمال کردن زنده گی سیاهپوستها می گردد، زیرسوال میبرند. ممکن است حرفهای یک انسان غیرامریکایی - که نمیخواهم وی را «خارجی» خطاب کنم و موصوف سالهای زیاد شاهد این کشور بوده است - برای ما در زمینه شناخت بهتریاری رساند. هووگ ماسیکیلایکی از بزرگترین استعدادهای موزیک در افریقای جنوبی در سن ۷۱ ساله گی مصاحبه یی را در مورد زنده گی بعد از اپارتاید در افریقای جنوبی انجام داد و متذکر میشود: «اکثریت مردم حق رأی را به دست آوردند و از آن به بعد از ستم پولیس رنج نمیبردند. ولی تغییرات گسترده را به خاطر آنکه برای جامعه نا مطلوب بود، نخواستند عملی کنند. به همینگونه در اینجا یعنی در ایالات متحده، جایی که نهال نارس جنبش حقوق شهروندی داشت بارور می شد، وضع طور دیگری نیست». من از ماسیکیلا به خاطر آن نقل قول می کنم که موصوف در صف همان ملیونها انسانی قرار داشت که تحت ستم اندیشه جنونبار اپارتاید زنده گی کرد و به همین سبب با مناسبات جاری آن زمان شناخت نزدیک دارد. بدین ترتیب موصوف قابلیت آن را دارد تا عناصر اپارتاید را در زنده گی امریکایی تشخیص دهد.

سوال در ینجاست که چرا سیستم اپارتاید منحوس پنداشته میشود و در مقابل در برابر کامپلکس صنعتی زندانها در ایالات متحده آمریکا قضاوت با نرمش مجاز دانسته می شود؟ جواب به این سوال دو بخش دارد: نخست این که نخبه گان سیاسی سیستم دو حزبی در ایالات متحده آمریکا بدون در نظر داشت علویتهای حزبی شان درین مسأله کاملاً هممنظر هستند. دوم این که سیاهپوستها به صفت مسوولین در نهادهای مختلفه به مثابه سپر مطمئن علیه حملات دارای خصلت تبعیضی سیستم عرض اندام میکنند.

بگونه افریقای جنوبی در ایالات متحده آمریکا نیز نخبه های سیاهپوست از یک سیستم اقتصادی بهره مند می گردند که برای اکثریت عظیم انسانهای دارای منشأ افریقایی و گذشته از همه برای کارگران و تهیدستان کاملاً غیر عادلانه است. در نتیجه بالا کشیدن نخبه محدود سیاهپوستها بدون در نظر داشت نقش سمبولیک و نمایشی آنان، فروپاشی طبقاتی و عدم تساوی اجتماعی را تأمین مینماید.

برای ملتی که اشتها در راه دموکراسی میدهد، بایستی این واقعیت که در داخل کشور خودش یک کتله مجرد اتنیکی تحت ستم موجود است، در حالت عادی باعث تحریک تناقضات گردد. ولی این نقطه محوری همیشه کتمان می شود. ولی ما باید این برخورد را مطالبه کنیم. برای این مطلب باید تبلیغ کنیم و هرگاهی ممد واقع نشود باید جنبش مردمی جدیدی را ایجاد نماییم که بتواند سیستم تجرید اتنیکی را برای همیشه ریشه کن سازد.

این امر به منافع جمعی ما نیز رابطه دارد، زیرا اکثریت دانشمندان، روشنفکران، اکادمیسنها و نخبه گان سیاسی سیاهپوست فقط یک نسل از محلات فقیرنشین پیشین شان فاصله دارند. و اما بادر نظر داشت فروپاشی اقتصاد ایالات متحده، هرگاهی سیستم اجتماعی ودولتی به ذات خود منفعل گردد، درگام نخست بارسنگین این رکود را کیها بدوش خواهند کشید؟

فشرده یکی از سخنرانیهای کنفرانس «**تناظریک بازی**» در دانشگاه پرینستون

برگردانی از زبان انگلیسی به زبان آلمانی از: یوورگن هایزر